

متن کامل سوره سبا با ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾

همه ستایش ها ویژه خداست که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در
سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و همه ستایش ها در آخرت مخصوص
اوست، و او حکیم و آگاه است. (۱)

يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

[خدا] آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان
فروود می آید و آنچه در آن بالا می رود عالم و آگاه است؛ و او مهربان و بسیار
آمرزنده است. (۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ^ط قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ
عَالِمِ الْغَيْبِ^ط لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا
فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابِ
مُبِينٍ ﴿٣﴾

و کافران گفتند: قیامت بر ما نخواهد آمد. بگو: آری، سوگند به پروردگارم که
دانای غیب است، حتماً بر شما خواهد آمد؛ در آسمان ها و زمین هم وزن ذره
ای از او پوشیده نیست، و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر از آن هست
مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۳)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ^ج أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

[آری، قیامت حتماً می آید] تا خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته
انجام داده اند، پاداش دهد، اینانند که برای آنان آمرزشی و رزق نیکو و
ارزشمندی خواهد بود. (۴)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ^ج أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ
رَّجْزِ أَلِيمٍ ﴿٥﴾

و کسانی که در [انکار و تکذیب] آیات ما کوشیدند، به گمان اینکه [می توانند]
ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] برای آنان عذابی
دردناک از سخت ترین عذاب هاست. (۵)

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ
الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده، می دانند که آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، و به راه خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده هدایت می کند. (۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يَنْبِئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ
كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

و کافران گفتند: [ای مردم!] آیا شما را به مردی دلالت کنیم که به شما خبر [عجیبی] می دهد، هنگامی که [در خاک گور] به طور کامل متلاشی [و قطعه قطعه] شوید، در آفرینشی جدید و تازه خواهید آمد! (۷)

أَفْتَرَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾

آیا [به نظر شما این خبر دهنده] بر خدا دروغ بسته، یا دچار نوعی جنون است؟! [نه، چنین نیست که می پندارند] بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب و گمراهی دوری هستند. (۸)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ نَشَأَ نَحْسِفَ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ
كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾

آیا به آنچه از آسمان و زمین پیش رو و پشت سر آنان است، ننگریستند [که همان خدایی که جهان هستی را آفرید بر زنده کردن مردگان تواناست؟] ما اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم یا پاره هایی از آسمان را بر سرشان می افکنیم؛ بی تردید در این [آفرینش] برای هر بنده بازگشت کننده، نشانه ای [بر قدرت خدا] ست. (۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۗ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۗ
وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾

همانا به داود از سوی خود فضلی بزرگ عطا کردیم، [و گفتیم:] ای کوه ها و ای پرندگان! [در تسبیح خدا] با او، هم صدا شوید. و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۰)

أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ ۗ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۗ إِنِّي
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾

[و به او گفتیم] که زره های فراخ بساز، و حلقه ها [ی آن] را متناسب و هماهنگ اندازه گیری کن. و تو و خاندان و قومت کار شایسته انجام دهید؛ یقیناً من به آنچه انجام می دهید بینايم. (۱۱)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ
عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ
وَمَن يَزِغْ مِنْهُم عَن أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِن عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾

و باد را برای سلیمان [مسخر و رام کردیم]، که رفتن صبح گاهش [به اندازه] یک ماه و رفتن شام گاهش [به اندازه] یک ماه بود؛ و چشمه مس را برای او روان ساختیم، و گروهی از جن به اذن پروردگارش نزد او کار می کردند، و هر کدام از آنان از فرمان ما سرپیچی می کرد از عذاب سوزان به او می چساندیم. (۱۲)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ
كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا ۗ وَقَلِيلٌ
مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٣﴾

[گروه جن] برای او هر چه می خواست، می ساختند از معبدها، و مجسمه ها، و ظروف بزرگی مانند حوض ها، و دیگ هایی ثابت. ای خاندان داود! به خاطر سپاس گزاری [به فرمان ها حق] عمل کنید؛ و از بندگانم اندکی سپاس گزارند. (۱۳)

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ
 الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ^ط فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

پس هنگامی که مرگ را بر او مقرر کردیم، جنیان را از مرگش جز موریانه
 ای که عصایش را می خورد، آگاه نکرد؛ زمانی که به روی زمین در افتاد،
 جنیان [که ادعای علم غیب داشتند] فهمیدند که اگر غیب می دانستند در آن
 عذاب خوارکننده [که کارهای بسیار پرزحمت و طاقت فرسا بود] درنگ نمی
 کردند. (۱۴)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ^ط جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ^ط
 كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ^ج بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ
 ﴿١٥﴾

یقیناً برای قوم سبا در جای اقامتشان نشانه ای [از قدرت و رحمت خدا] وجود
 داشت، دو باغ از طرف راست و چپ. [گفتیم:] از رزق و روزی
 پروردگارتان بخورید، و برای او سپاس گزاری کنید، سرزمینی خوش و دلپذیر
 [دارید]، و پروردگاری بسیار آمرزنده (۱۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
 جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾

ولی [آنان از سپاس گزاری در برابر نعمت، و از فرمان ها او و دعوت
 پیامبرشان] روی گرداندند، در نتیجه سیل [ویران گر] «عرم» را بر ضد آنان
 جاری کردیم [که دو باغ آباد راست و چپ منطقه را نابود کرد]، و ما آن دو
 باغ پر حاصلشستان را به دو باغستانی تبدیل کردیم که دارای میوه هایی تلخ و
 درخت شوره گز و چیزی اندک از درخت سدر بودند!! (۱۶)

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا^ط وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ ﴿١٧﴾

این [سیل ویران گر] را در برابر کفرشان به آنان کیفر دادیم. آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟ (۱۷)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً
وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ^ط سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾

و میان مردم سبا و شهرهایی که در آن ها برکت نهادیم، آبادی های به هم پیوسته و نمایان قرار دادیم، و سیر و سفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرر داشتیم، [و گفتیم:] شب ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید. (۱۸)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ^ج إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾

پس [این مغرورشدگان به رفاه و خوشی و ناسپاسان در برابر نعمت] گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما، دوری و فاصله انداز. [این را درخواست کردند تا تهیدستان و پا برهنگان نتوانند در کنار آنان سفر کنند]، و [این گونه آنان] بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان هایی [برای عبرت آیندگان] قرار دادیم و جمعشان را به شدت متلاشی و تار و مار کردیم، همانا در این [سرگذشت ها] برای هر صبرکننده سپاس گزاری عبرت هاست (۱۹)

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾

و همانا ابلیس، پندارش را [که گفته بود: نسل آدم را گمراه می کنم] درباره آنان
تحقق یافت که همه جز گروهی از مؤمنان از او پیروی کردند. (۲۰)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ
مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۚ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾

و ابلیس را بر آنان [در اینکه فرمان بردارشان کند] هیچ تسلطی نبود [جز
وسوسه کردن و باز بودن راه وسوسه بر او، هیچ سببی نداشت] مگر اینکه می
خواستیم کسانی را که به آخرت ایمان دارند از آنان که درباره آن در تردیدند
مشخص کنیم؛ و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است. (۲۱)

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ
شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

بگو: کسانی را که به جای خدا [سزاوار پرستیدن] پنداشته اید، بخوانید [تا
خواسته هایتان را اجابت کنند، ولی آنها هیچ خواسته ای را از شما اجابت نمی
کنند؛ زیرا] در آسمان ها و زمین، هموزن ذره ای را مالک نیستند و آنها را در
آن دو هیچ سهم و شرکتی نیست، و از میان آنها هیچ پشتیبانی برای خدا وجود
ندارد. (۲۲)

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا الْحَقُّ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

شفاعت در پیشگاه خدا جز برای کسانی که به آنان اذن دهد سودی ندارد، [آن روز شفیعان و امیدواران به شفاعت مضطربانه به انتظار اذن خدا برای شفاعت هستند] تا زمانی که با صدور اذن شفاعت دل هایشان آرام گیرد [در این هنگام مجرمان به شفیعان] گویند: پروردگارتان چه گفت؟ می گویند: حق گفت و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۳)

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

[به مشرکان] بگو: چه کسی از آسمان ها و زمین به شما روزی می دهد؟ بگو: خدا. و بی تردید ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم. (۲۴)

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾

بگو: شما از گناه ما بازخواست نخواهید شد، و ما هم از آنچه شما انجام می دهید، بازخواست نخواهیم شد. (۲۵)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾

بگو: پروردگاران میان ما و شما را [روز قیامت] جمع می کند، سپس میان ما و شما به حق داورى خواهد کرد، و او داور دانایی است. (۲۶)

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ ۖ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

بگو: کسانی را که به عنوان شریکان به او ملحق کرده اید به من نشان دهید [تا
بنگرم آیا صفاتی که واجب است در یک معبود باشد در آنها هست؟ یقیناً این
چنین [صفاتی در آنها] نیست، بلکه فقط خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم
است. (۲۷)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

و ما تو را برای همه مردم جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم، ولی بیشتر
مردم [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۸)

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾

و [از روی مسخره] می گویند: اگر راستگویید این وعده [قیامت و عذاب] کی
خواهد بود؟ (۲۹)

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
﴿٣٠﴾

بگو: وعده گاه شما روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه بر آن
پیشی می گیرید. (۳۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ
يَدَيْهِ ^{قُلْ} وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ
بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ
اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

و کافران گفتند: ما به این قرآن و کتاب هایی که پیش از آن بوده است، هرگز
ایمان نمی آوریم. و اگر ستمکاران را زمانی که در پیشگاه پروردگارشان
[برای محاکمه] بازداشت شده اند، ببینی در حالی که هر کدام گناه و بدبختی
خود را بر عهده دیگری می اندازد [امر عجیبی می بینی] مستضعفان به
مستکبران می گویند: اگر شما سر راه ما نبودید یقیناً ما مؤمن بودیم. (۳۱)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ
الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ ^ط بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

مستکبران به مستضعفان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آنکه
به شما رسید باز داشتیم؟ [نه، باور نداریم] بلکه شما خودتان مجرم بودید.
(۳۲)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ
 وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا ۚ
 وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي
 أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ﴿٣٣﴾

مستضعفان به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ های [پی گیر شما در] شب و
 روز که به ما فرمان می دادید به خدا کافر شویم و همتیانی برای او قرار دهیم
 [ما را گمراه کرد]. و هنگامی که عذاب را ببینند، اظهار پشیمانی کنند [شاید
 نجات یابند]. و ما در گردن کافران غل و زنجیر می نهیم؛ آیا جز آنچه را انجام
 می دادند جزا داده می شوند. (۳۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا
 أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

در هیچ شهری هیچ بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوش گذرانان مغرور و
 سرمست آنان گفتند: ما به آنچه شما را به آن فرستاده اند، کافریم! (۳۴)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾

و گفتند: اموال و فرزندان ما از شما بیشتر است و [این دلیل توجه ویژه خدا به
 ماست؛ بنابراین اگر عذابی هم باشد] ما را عذاب نخواهند کرد. (۳۵)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد، ولی بیشتر مردم [نسبت به مصلحت خدا] معرفت و آگاهی ندارند.
(۳۶)

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ
آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا
وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾

و اموال و فرزندانان چیزهایی نیستند که شما را نزد ما مقرب کنند مگر آنان که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند [که به سبب ایمان و کار شایسته، مقرب ما هستند]؛ پس اینانند که برای آنان در برابر آنچه انجام داده اند، پاداش مضاعف است، و آنان در غرفه ها [ی بهشتی از هر گزند و آسیبی] آسوده خاطرند. (۳۷)

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

و کسانی که همواره در [انکار و ابطال] آیات ما می کوشند، به گمان اینکه می توانند ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند]، اینان احضار شدگان در عذاب خواهند بود. (۳۸)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ
وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ^ط وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
﴿٣٩﴾

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد، و هرچه را انفاق می کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می کند؛ و او بهترین روزی دهندگان است. (۳۹)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُولَاءِ إِيَّاكُمْ
كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

و [یاد کن] روزی را که [خدا] همه آنان را محشور می کند، آن گاه به فرشتگان می گوید: آیا اینان شما را می پرستیدند؟ (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ^ط بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ
الْجِنَّ^ط أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

می گویند: تو منزهی [از اینکه در پرستیده شدن شریک و همتا داشته باشی]، تو سرپرست و یار مایی نه آنان، [آنان ما را نمی پرستیدند] بلکه جنیان را می پرستیدند [و] بیشترشان به آنها ایمان داشتند. (۴۱)

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ
﴿٤٢﴾

امروز برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیستید، و به آنان که ستم کردند می
گوییم: عذاب آتشی را که انکار می کردید، بچشید. (٤٢)

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ
أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آفِكُ
مُفْتَرِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا
سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، می گویند: این نیست مگر
مردی که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند، باز دارد. و می
گویند: این قرآن جز دروغی ساختگی نیست. و کافران درباره حق، هنگامی که
به سویشان آمد گفتند: این جز جادویی آشکار نیست!! (٤٣)

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا ۖ وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ
مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾

و [این در حالی است که] هیچ کتابی به آنان نداده ایم که آن را بخوانند [تا به
تکیه بر آن قرآن را دروغی ساختگی بدانند]، و پیش از تو هیچ پیامبری
نفرستادیم تا [با اعتماد به گفتار او] نبوت تو را انکار کنند، (٤٤)

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِغْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا
رُسُلِي^ط فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

و کسانی که پیش از اینان بودند [آیات ما و پیامبران را] تکذیب کردند، و اینان به یک دهم قدرت و ثروتی که به آنان داده بودیم، نرسیده اند، پس پیامبرانم را تکذیب کردند [در نتیجه هلاکشان کردیم]؛ پس [بنگر] عذاب من چگونه بود؟
(۴۵)

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ^ط أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى تُمْ
تَتَفَكَّرُوا^ج مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ^ج إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ
يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾

بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می دهم [و آن] اینکه دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقان [محمد که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده ای نیست. (۴۶)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ^ط إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ^ط
وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾

بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهده خداست، و او بر همه چیز گواه است. (۴۷)

قُلْ إِنْ رَبِّي يَعْزِفُ بِالْحَقِّ عَلامُ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

بگو: همانا پروردگارم که دانای غیب است، حق را [بر قلوب پیامبران] القا می کند. (۴۸)

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾

بگو: حق آمد و باطل [که آن را به جای خدا می پرستید] نه می تواند چیزی را به وجود آورد، و نه می تواند [چیزی که از بین رفته] برگرداند. (۴۹)

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾

بگو: اگر من گمراه شده باشم، فقط به زیان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت شده باشم به سبب آن است که پروردگارم به من وحی می کند؛ زیرا او شنوا و نزدیک است. (۵۰)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾

و اگر ببینی [مشرکان] زمانی که [با ظهور قیامت] ترسان و وحشت زده می شوند [امر عجیبی می بینی] و [آن اینکه برای آنان] توانایی [گریز از عذاب] نیست، و از جایی نزدیک [که موقف قیامت است] بازداشت می شوند. (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَإِنَّا لَلْهَمُّ التَّنَافُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

و [در آن موقعیت بسیار سخت] می گویند: به حق ایمان آوردیم. کجا و چگونه می توانند از فاصله بسیار دور [که فاصله قیامت تا دنیاست] به آن ایمان دسترسی پیدا کنند! [زیرا آخرت جای تکلیف نیست و دنیایی که جای تکلیف است برای همیشه از دستشان رفته است.] (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ^ط وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ
﴿٥٣﴾

[اینان] پیش از این [که در دنیا می زیستند] به حق کافر شدند، و ناآگاهانه و دور از معرفت و علم [درباره حق به عنوان اینکه شعر، جادو، افسانه خرافی و دورغ ساختگی است] سخن پراکنی می کردند. (۵۳)

وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ^ج
إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

و [در نتیجه] میان آنان و همه خواسته هایشان [به وسیله مرگ] جدایی انداخته شد، همان گونه که پیش از این با هم کیشانیشان رفتار شد؛ زیرا آنان همواره [نسبت به حق] در تردیدی سخت بودند. (۵۴)

صدق الله و العلی العظیم

راست گفت خدای بزرگ و بلند مرتبه